

تبیین تحولات نسلی روابط خویشاوندی در خانواده‌های روستای «حصار خروان» در نیم قرن اخیر

زهرة نجفی اصل^۱

(تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۱۴؛ تاریخ تأیید: ۹۴/۰۳/۱۲)

چکیده

مدرنیزاسیون با ایجاد تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جوامع باعث ایجاد فضاهای جدیدی گشته و بر دامنه فردی شدن افزوده است و زندگی را بیش از پیش به امری انتخابی، توأم با برنامه‌ریزی‌های شخصی بدل کرده است. این تغییرات صرفاً دامن‌گیر مراکز شهری نبوده و جوامع روستایی کشور را نیز متأثر کرده است. به طوری که تحت تأثیر این تحولات تا حدود زیادی روابط خویشاوندی در جوامع روستایی از کنترل عرف اجتماعی خارج شده و به امری اختیاری بدل شده است. این در حالی است که در اسلام صله رحم و حفظ روابط خویشاوندی بسیار سفارش شده و قطع رحم مذموم شناخته شده است. در این مقاله برای بررسی روند تحولات روابط خویشاوندی در خانواده روستایی و عوامل تأثیرگذار بر آن، روستای حصارخروان استان قزوین انتخاب شد تا در دو خانواده و در طول ۳ نسل این روابط مورد پیگیری قرار گیرد. برای انجام این مهم، از روش تاریخ زندگی استفاده شد تا با رویکردی درون‌گرایانه به بررسی روابط خویشاوندی پرداخته شود. نتایج، حاکی از آن است که در نیم قرن گذشته عوامل گوناگونی و البته مهم‌تر از همه عامل سیاسی که با تحولات اقتصادی و اجتماعی همراه شده، در ایجاد این تحولات مؤثر بوده است. یعنی عوامل تاریخی در کشور و عوامل ویژه‌ای که در روستای موردنظر پدید آمده، باعث شده در روابط خویشاوندی خانواده‌های روستای حصارخروان کاهش چشمگیری ایجاد شود و تبعاتی نظیر گسترش فردگرایی، اهمیت یافتن پول و

۱. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، najafiasl@ut.ac.ir

تجملات، اهمیت یافتن تصمیمات و انتخابات شخصی، کاهش همیاری‌ها، گسترش تمایلات به ایجاد ارتباط با افراد در مراکز شهری، عدم توجه به دانش بومی پدران و کاهش اقتدار پدران و کم‌توجهی به سالمندان در محیط خانوادگی و ... را به همراه بیاورد. **واژه‌های کلیدی:** مدرنیزاسیون، روابط خویشاوندی، خانواده‌های روستایی، روش تاریخ زندگی.

مقدمه

امروزه روابط خویشاوندی و ارزشمند تلقی کردن حفظ این روابط به دنبال تغییرات گوناگون که به تبع مدرن شدن جوامع پدید آمده، دچار چالش‌های جدی گشته است. به طوری که در این فضای جدید که مروج آزادی، پیشرفت، خوداتکایی و فردگرایی است، افراد به دنبال به دست آوردن فرصت‌های بهتر برای زندگی شخصی‌شان، اعتنای کمتری به حفظ این‌گونه روابط نشان می‌دهند. تحت تأثیر این تغییرات نه تنها جوامع شهری، بلکه جوامع روستایی کنونی ایران نیز در معرض تغییرات ارزشی فراوانی هستند و بین سنت و تجدد قرار دارند که با فاصله‌گیری این دو، فشار فراوانی را متحمل می‌شوند. به طوری که امروزه در بسیاری از مناطق روستایی کشور از شدت روابط خویشاوندی گذشته که تحت تأثیر عرف اجتماعی بود، به طرز چشمگیری کاسته شده و نقش ارزشمند تلقی کردن صله ارحام تا حدود زیادی به دست فراموشی سپرده شده است و معاشرت‌ها به امری انتخابی و توأم با برنامه‌ریزی شخصی بدل گشته و افراد سعی دارند از میان گستره وسیع‌تری نسبت به گذشته به انتخاب بپردازند. در این میان حتی افراد درجه یک و نزدیک نیز از اولویت برای فرد برخوردار نیستند که این پدیده نوظهور، مشکلات فراوانی را برای جامعه روستایی ایران که از دیرباز مبتنی بر بهره‌برداری‌های خانوادگی بوده به ارمغان آورده است و تبعات ناخجسته‌ای را به همراه خواهد داشت.

در این مقاله سعی شده است تا با رویکردی درون‌گرایانه و با استفاده از روش کیفی تاریخ زندگی^۱ و با استفاده از تکنیک‌های جمع‌آوری داده مرتبط با این روش (انواع مشاهده، انواع مصاحبه، مراجعه به اسناد و مدارک، داستان‌سرایی و شجره‌نامه) به فهم تغییرات حادث شده در روابط خویشاوندی در طول ۳ نسل در دو خانواده (۹۷ نفر) در نیم

قرن گذشته در روستای حصارخروان (از توابع استان قزوین) پرداخته شود و به این سوالات پاسخ داده شود که چه تغییراتی در روابط خویشاوندی در جامعه روستایی مذکور به وجود آمده است؟ این تغییرات ناشی از پدید آمدن چه رویدادهایی در کشور و منطقه مورد نظر است؟ روند این تحولات در ۳ نسل مورد بررسی چگونه تبیین می‌شود؟

پیشینه پژوهش

اگرچه در ادبیات تولیدشده، به طور ضمنی و با فراوانی بالایی به تحولات روابط خویشاوندی در قالب کلی تحولات خانواده پرداخته شده است، کمتر کار پژوهشی موجود است که به طور خاص به این امر مبادرت کرده باشد.

به طور مثال لیبی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نگرش نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران» معتقد است: خانواده به لحاظ ساختاری و روابط درونی دچار تحولات فراوانی شده است. این تحولات در بخش‌های مختلف روی داده، از روابط بین والدین و فرزندان، روابط بین زوجین، روابط خواهران و برادران، روابط خویشاوندی تا موضوعاتی مانند تأخیر در ازدواج و افزایش نرخ طلاق. اگرچه بعضی از این تحولات لازمه زندگی در عصر حاضر است، اما برخی دیگر حاصل تغییر در نگرش و تصورات و انتظارات ما از خانواده است که در این مورد نقش رسانه‌ها و نظام آموزشی حائز اهمیت فراوان است.

رضوانی طوسی (۱۳۹۲) با انجام پژوهشی با عنوان «جایگاه روابط خویشاوندی و صله رحم در تعاملات خانوادگی روزمره» به مطالعه شهروندان تهرانی پرداخته است. این پژوهش با حجم نمونه ۴۰۰ نفری صورت گرفته و نتایج بدست آمده حاکی از آنست که ۹۵/۵٪ از پاسخگویان معتقدند که میزان صله رحم و روابط و دید و بازدیدهای خانوادگی در جامعه کمتر شده است. ۴۰/۸٪ از پاسخگویان علل کاهش صله رحم در جامعه را ناشی از مشکلات اقتصادی و گرانی می‌دانند. ۱۸/۹٪ گرفتاری و مشکلات زیاد مردم، ۱۲/۶٪ نداشتن وقت و مشغله زیاد، ۹/۹٪ چشم و هم‌چشمی، حسادت، تجمل‌گرایی و زیاده‌خواهی مردم، ۶/۸٪ پیشرفت فناوری و مدرن شدن زندگی و افزایش ارتباطات پیامکی، ۳٪ کم شدن محبت میان مردم، ۲/۲٪ طولانی شدن راهها و ترافیک و ۱/۹٪ دوری مردم از اسلام و کمرنگ شدن عقاید دینی را از عوامل اصلی کاهش روابط خویشاوندی بیان کرده‌اند.

در مطالعات خارجی نیز چاندام رانگ^۱ (۱۹۸۷) در پژوهشی با عنوان «مدرن شدن کشاورزی و تغییر در نظام روابط خویشاوندی در روستاهای تایلند» به دنبال تبیین تغییرات پدیدآمده اقتصادی و اجتماعی در ایجاد تغییرات روابط خویشاوندی است. وی معتقد است توسعه سرمایه‌داری، پیامدهای گوناگونی را در این زمینه داشته است. این در حالی است که شبکه روابط خویشاوندی سنتی در گذشته زمینه‌ساز پیوند باثبات زارعان بوده و عامل مهم حمایت از شرایط زیست و بقای زارعان به‌شمار می‌آمده است.

آل حاج^۲ (۱۹۸۸) در مقاله خود با عنوان «تغییر ساختار روابط خویشاوندی عرب و تأثیر مدرنیزاسیون بر جوامع شهری» به مطالعه همولا^۳ در شفار^۴ در جامعه شهری عرب در اسرائیل پرداخته است. وی معتقد است ازدواج و فرزندآوری و اهمیت تداوم روابط خویشاوندی در اثر مدرنیزاسیون کاهش یافته و ارزش‌های سنتی خانواده‌محور تحت فشار واقع شده‌اند تا با ارزش‌های غربی که تأکید بر تخصص و ارزش‌هایی مثل فردگرایی در مقابل خانواده‌گرایی دارند، به رقابت بپردازند. وی در مطالعه خود ادعا می‌کند ازدواج‌های درون‌گروهی در همولا به عنوان نقش اجتماعی اثرگذار، انتخابات محلی در همولا به عنوان نقش سیاسی مؤثر و کارکرد همولا به عنوان منبع و منشأ کمک‌های اقتصادی به عنوان نقش اقتصادی در این راستا نقش برجسته‌ای در مقابله با ارزش‌های سرمایه‌داری داشته‌اند.

ادبیات نظری

بحث بنیادی نظریه‌های تغییرات خانواده بر این استوار است که تغییرات در شرایط و الزامات اجتماعی و اقتصادی - به طور مثال صنعتی‌شدن و گسترش تحصیلات - پیامدهایی در کل هر جامعه داشته است. این تغییرات وسیع اجتماعی و اقتصادی بر روابط اعضای خانواده، تأثیر والدین بر فرزندان، ارتباطات خواهر و برادری، نقش فرزندان در نگهداری از سالمندان اثر گذاشته و باعث تغییرات آنها شده است. (Axinn, 2008:2Jayakody, Thornton,

1. Chandhamrong
2. Al - Haj
3. Hamula
4. Shefar

در میان تبیین‌های ساختاری، نظریه‌هایی که به تأثیر مدرنیزاسیون بر تغییرات خانواده توجه دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. براساس این دیدگاه، تحولات اجتماعی منتج از صنعتی‌شدن، افزایش شهرنشینی و تحصیلات و تغییرات جمعیتی باعث دگرگون شدن ساختار و روابط خانوادگی به طرز وسیعی شده است. (Thornton & Frick, 1987:755)

در این دیدگاه، انقلاب صنعتی باعث از بین رفتن روابط خویشاوندی خانواده‌های غربی و تضعیف هنجارهای مربوط به آن شده است (بافکار، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۸). به نظر پارسونز در دنیای صنعتی فرزندان با ازدواج از خانواده جهت‌یاب^۱ خود جدا می‌شوند و وفاداری‌شان از جهت خویشاوندی در درجه نخست متوجه همسر و سپس فرزندان‌شان است. (پارسونز، ۱۳۶۳: ۷۲۹)

در جامعه صنعتی ممکن است یک فرد به رشد اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران دست یابد. لذا این موضع باعث تنوع در شیوه‌های زندگی می‌گردد. ظهور چنین شرایطی سبب بروز اختلافاتی در بین برادران و خواهران می‌شود که نتیجه آن کاهش روابط بین آنهاست. (فرید، ۱۳۸۸)

علاوه بر این تحرک شغلی و جغرافیایی نیز منجر به ایجاد فاصله فیزیکی، جغرافیایی بین افراد و خویشاوندان‌شان می‌شود. (عنایت و دسترنج، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

از نظر گیدنز رویه‌های اجتماعی تغییرپذیرند، یعنی در دوران مختلف تاریخی و به شیوه‌های مختلف، رویه‌های اجتماعی بوجود آمده، تغییر می‌کند و پیامدهای متعدد و گوناگون رویه‌های اجتماعی را هیچ‌گاه نمی‌توان به تمامی از پیش طراحی و کنترل کرد. (استونز، ۱۳۷۹: ۴۲۵)

از نظر او زندگی اجتماعی مدرن، روش‌هایی را به فرهنگ عمومی وارد می‌کند که روابط اجتماعی را از قید محدودیت‌های مکانی رها می‌سازد. این مسئله موجب آن می‌شود که انتظارات و سبک‌های زندگی تغییر یابد و اگر در جوامع سنتی، سنت، رفتار افراد را رهبری می‌کرد، در جوامع مدرن اعمال اجتماعی دائماً در جریان اطلاعات جدید مورد بازاندیشی قرار می‌گیرند.

۱. خانواده‌ای که فرد در آن به دنیا می‌آید.

در چنین شرایطی، بازیگران عرصه اجتماع نه تنها حق دارند که درباره همه چیز از شکل درمان گرفته تا شیوه زندگی فرهنگی تصمیم‌گیری کنند بلکه در بسیاری از موارد ناچار و ناگزیرند که دست به انتخاب بزنند (استونز، ۱۳۷۹: ۴۳۳-۴۳۲). در واقع از ویژگی‌های ارتباط در نظام اجتماعی مدرن این است که در آن ارتباط‌های دوستانه و خصوصی با افرادی برقرار شود که می‌توان آن‌ها را از میان افراد مختلف انتخاب کرد. (صدرا و قنبری، ۱۳۸۷: ۶۴)

برخلاف پیوندهای شخصی یا خصوصی در جامعه سنتی، رابطه ناب، وابسته به عوامل بیرون از زندگی اجتماعی و اقتصادی نیست و چنان می‌نماید که گویی در فضا شناور است. (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

در این شرایط علت ارتباط، نقش خود ارتباط است و انگیزه‌های سنتی مثل طبقه و ... ملاک‌های مهمی محسوب نمی‌شوند و این رابطه تا زمانی که ارتباط به خاطر نقش ارتباط ارزشمند باشد، ادامه می‌یابد. در این شرایط افراد در خانواده نیز با اعضای محدودی ارتباط برقرار می‌کنند و به جای روابط فAMILI، اوقات فراغت خود را با افرادی که خود انتخاب کرده‌اند، می‌گذرانند که به تعبیر گیدنز در این شرایط در خانواده نوعی دموکراسی احساسی^۱ و عاطفی پدید می‌آید.

به نظر می‌رسد درهم تنیدگی جهانی برای نسل جوان که بیشتر در معرض فرهنگ جهانی و دانش نوین هستند، ارزش‌ها و عقاید متفاوتی از نسل‌های قبلی‌شان ایجاد نماید. دسترسی به سطوح بالاتر تحصیلات و ارتباطات بین فردی آسانتر در محیط خارج از خانه که به مدد تکنولوژی پدید آمده، باعث سست شدن روابط درون خانواده گشته و نوعی سیری کاذب عاطفی را به ویژه برای فرزندان پدید آورده که در سایه آن نیازی به برقراری تعامل با اعضای خانواده ضروری به نظر نمی‌رسد.

اگرچه نقش خانواده هنوز هم مهم است، اما دولت رفاه، ماهیت وجود یا عدم وجود این روابط را تضعیف نموده است. امروزه حمایت از روابط خانوادگی انتخابی است نه اجباری. در شرایط معاصر خانواده تک‌والد و افراد مسن بی‌فرزند نسبت به آنچه که قبلاً

1. Democracy of Emotions

این مفهوم در کتاب «جهان رها شده» از آنتونی گیدنز در ص ۱۰۴، چاپ ۱۳۸۷ عنوان شده است.

وجود داشت، خودکفایی بیشتری دارند. آنچه را که زمانی دورکیم، تونیس و زیمبل پیش‌بینی می‌کردند بیش از پیش واقعیت یافته است. دگرگونی در روند اجتماعی شدن از «پیوندهای ضروری» به «پیوندهای انتخابی». این امر افراد را به لحاظ شخصی بسیار مستقل‌تر ساخته و محدودیت‌های اجتماعی بر انتخاب انسانی را کاهش می‌دهد. فراصنعتی شدن حتی شرایط وجودی مناسب‌تری نسبت به صنعتی شدن فراهم می‌آورد؛ زیرا مردم را بیش از دوره صنعتی به لحاظ اقتصادی ایمن‌تر، به لحاظ عقلانی خودمختارتر و به لحاظ اجتماعی مستقل‌تر می‌سازد. (ایننگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۶)

دیدگاه اسلام در مورد حفظ روابط خویشاوندی

در اسلام خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه اسلامی به شمار می‌آید که همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان به عنوان خلیفه و جانشین خداوند گام برمی‌دارد. از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده سنگ بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به هم پیوند می‌دهد. با توجه به سطوح مختلف جامعه (فرد، خانواده، همسایگان ملت، امت و ...) خانواده مرکز ثقل جامعه اسلامی است. اسلام وحدت جامعه را از وحدت زوجین و وحدت اعضاء خانواده می‌شناسد و علایق انسانی موجود در خانواده را قابل گسترش و نشر در جامعه به حساب می‌آورد. (سعداوی و رئوف، ۱۳۸۲: ۱۸۴)

[اما] وضعیت اجتماعی کنونی و پیشرفت‌های فوق‌العاده صنعتی طی قرن گذشته موجب تقویت خانواده هسته‌ای شده است، به گونه‌ای که فرد با ازدواج، از خانواده اصلی خود جدا و معمولاً رابطه با آنها به تدریج کمتر می‌شود. این وضعیت به علل مختلف نهاد خانواده را تهدید می‌کند. در بعد اقتصادی زن و مرد ناچارند پس از ازدواج با تلاش بسیار از عهده مقتضیات زندگی خانوادگی به تنهایی برآیند و در بیشتر موارد از کمک خانواده اصلی خود محرومند. در بعد عاطفی نیز، خانواده هسته‌ای در مشکلات تنها و از حمایت‌های اجتماعی، عاطفی خانواده‌های اصلی محروم است. تعالیم اسلام با تأکید بر روابط خویشاوندی به

دنبال حمایت از این خانواده کوچک و کمک به رشد و حل مشکلات آن است.
(سالاری فر، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۷)

تعالیم اسلام در همه ابعاد بر استمرار روابط خویشاوندی بسیار تأکید دارد و در آیات قرآن و کلمات اولیای دین به آثار مثبت این روابط و پیامدهای ناخوشایند قطع این روابط اشاره شده است. خداوند مسئولیت در قبال وظایف الهی و روابط خویشاوندی را در یک ردیف اعلام کرده است (قرآن کریم، سوره نسا، آیه ۱). در کلمات رسول خدا آمده است که بالاترین مراتب رفتارهای دینی پس از ایمان به خدا، برقراری روابط خویشاوندی است. (علامه مجلسی، به نقل از سالاری فر، ۱۳۸۷: ۱۸۸)

صله رحم علاوه بر آثار فردی اعم از دنیوی و اخروی دارای پیامدهای اجتماعی خاص نیز هست که جایگاه این عمل عبادی را در عرصه اجتماع نمایان می‌سازد و در جهت شکوفایی جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کند.

۱- همبستگی اجتماعی

پیوندها و گروه‌های خویشاوندی از آنجا که مبتنی بر کشش‌های طبیعی و تمایلات فطری و انگیزه کافی افراد برای حضور در آن‌ها است مورد تأکید اسلام قرار گرفته تا نقطه شروع اصلاح نظام اجتماعی باشد. چه بسا حکمت حدیث رسول اکرم (ص) نیز که صله رحم را مایه عمران و آبادی سرزمین‌ها دانسته‌اند، همین باشد.

«ان الصدقه و صله الرحم تعمران الدیار».

این انسجام اجتماعی و وحدت، منافع و امنیت ملی را به همراه می‌آورد و مایه اندوهگین شدن و سلب طمع دشمنان می‌گردد. چنان‌که امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «صله الرحم توجب المحبه و تکبت العدو». صله رحم دوستی می‌آورد و دشمن را رسوا می‌سازد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۳).

۲- نظارت اجتماعی

از منظر جامعه‌شناسی، برقراری ارتباطات متنوع اجتماعی و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، مهمترین منبع جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به شمار می‌رود که فرایند جامعه‌پذیری در خانواده، مدرسه، گروه همسالان، کانون‌های مذهبی، محیط اجتماعی و مانند آن صورت می‌گیرد. برقراری روابط منسجم، رواج تعامل‌های دوجانبه،

درهم آمیختگی منافع و مصالح مشترک، تلاش جهت رفع حاجت‌های مادی و معنوی دیگران و... به عنوان مهمترین زمینه‌ها و آثار صله رحم، نتایج متعددی از جمله نظارت اجتماعی را به همراه خواهد داشت. شبکه خویشاوندی به عنوان یک جامعه کوچک به طور مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر رفتار یکدیگرند. دستور اسلام برای برقراری روابط مستحکم نیز زمینه را برای چنین نظارتی فراهم می‌سازد.

۵- تأمین نیاز وابستگی به گروه

این نیاز از جمله نیازهایی است که در هر مرحله از رشد در انسان وجود دارد و انسان به نوعی در پی تأمین آن است. وابستگی و ارتباط با گروه تنها برای تأمین نیازهای مادی نیست، بلکه فرد خود را به وسیله گروه می‌شناسد و از این طریق به ویژگی‌های اخلاقی و توان‌مندی‌های خود پی می‌برد. افزون بر آن، گروه سبب تحکیم شخصیت فرد می‌گردد و پذیرفته شدن از طرف گروه، موقعیت اجتماعی فرد و میزان موفقیت او را مشخص می‌سازد. همچنین فرد شیوه برخورد با دیگران، رعایت مصالح دیگران، تحمل افکار مختلف و اعتماد به نفس را در گروه می‌آموزد و در نهایت، موقعیت اجتماعی خویش را استوار می‌سازد.

افراد و خویشاوندان انسان در حکم یک گروه منسجم اجتماعی‌اند که هر فردی در سایه تعلق به آن می‌تواند به تأمین این نیاز بپردازد. بسیاری از بحران‌های اخلاقی و شخصیتی که در نسل جوان صورت گرفته و به صورت اعتیاد، فرار از خانه، خودکشی و ... پدیدار می‌شود، نتیجه طرد شدن فرد از سوی خانواده و دوستان بوده است. یکی از راهکارهای پیشگیری از این معضل، تقویت احساس تعلق به گروه و رواج مهرورزی میان خانواده و خویشاوندان است که مورد تأکید اسلام است.

تعاریف نظری و عملیاتی از روابط خویشاوندی

آنتونی گیدنز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار

گردیده‌اند یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر، پدربزرگ‌ها و غیره) را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۲۴)

مقصودی (۱۳۸۶) معتقد است روابط خویشاوندی تنها رابطه زیستی یا بیولوژیکی نیست، بلکه براساس روابط اجتماعی و قوانین شرعی و عرفی تعریف و تعیین می‌شود. در واقع روابط خویشاوندی به معنای عام کلمه یعنی وجود رابطه خویشاوندی میان انسان‌های یک گروه خویشاوند به معنای دقیق‌تر کلمه، رابطه خویشاوندی یعنی وجود و برخوردار بودن از روابطی چون روابط خونی، نسبی و سببی، جانبی و همچنین روابط میان خواهر و برادر. کلیه این روابط باید میان اعضای یک خانواده و یک گروه قومی و یک تیره و طایفه و خانواده وجود داشته باشد.

روابط خویشاوندی در این پژوهش حیطه گسترده‌تری نسبت به خویشاوندی از منظر روابط خونی دارد، بلکه داشتن ارتباط با خویشان دور، همسایگان و حتی هم روستاییان را نیز شامل می‌شود.

روش پژوهش

روش مبتنی بر تاریخچه زندگی در همه رشته‌های علوم اجتماعی کاربرد دارد؛ به ویژه پژوهشگر می‌تواند به این وسیله دیدگاهی درونی از یک فرهنگ بدست دهد. در واقع با استفاده از این روش می‌توان از مسیر تکامل الگوهای فرهنگی و شیوه‌ای که این الگوها با زندگی فرد، ارتباط برقرار کرده‌اند (اهمیت آنها و شیوه واکنش فرد) آگاه شد. (مارشال و راس من، ۱۳۷۷: ۱۲۳-۱۲۲)

دقت به تاریخ زندگی (زندگی‌نامه) افراد سبب می‌شود که مشخص گردد در هر مرحله از زندگی، چه عواملی بر روی زندگی آنها تأثیر گذاشته و در این مراحل شخص چگونه تحت تأثیر آن عوامل تصمیمات مختلفی برای زندگی خود گرفته است. (Casper & Bianchi, 2002) بنابراین زمانی می‌توان تحلیل درستی از روال زندگی یک فرد داشته باشیم که هر یک از این تصمیمات را با توجه به شرایطی که تصمیم‌گیری در آن روی داده است، مورد مطالعه قرار دهیم. (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۳۲۶) بررسی مسیر زندگی، تأثیر متقابل بین زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، عامل انسانی و زمان را نشان می‌دهد. (Giele)

(Elder, 1998) این عوامل به هم تنیده است چنانکه طرز تلقی‌ها و اعمال فردی نه فقط به موقعیت‌ها در سطح کوچک و ساختارها در سطح بزرگ بستگی دارد، بلکه به زمینه تاریخی و فعالیت مفید شخصی نیز وابسته است. (Bronfenbrenner, 1979؛ Mortimer & Shanahan, 2003)

از بدو کار،^۱ LHC (به عنوان رکن مهم در روش تاریخ زندگی) برای پژوهش‌های کیفی با مقیاس بزرگ استفاده شده است. (Axinn & others, 1999)

این ابداع روش‌شناسانه توسط مارتین^۲ و بلی^۳ ایجاد شده است که از نظر او LHC‌ها «می‌توانند در پژوهش‌های کیفی استفاده شوند و از این طریق محرک بحث در مورد تجربیات گذشته و زیر بنای فرایندی بشوند که به بیان رفتار، طرز تلقی‌ها و احساسات کمک می‌کنند». (271-272: 2002) دولارد^۴ (1935)، تاریخ زندگی را اقدامی آگاهانه برای بیان رشد فرد در یک محیط فرهنگی و معنابخشیدن به آن می‌داند.

LHC، ماتریس چاپ شده‌ای با علائم موقتی (نقاط عطف زمانی) است که به طور افقی چاپ می‌شود و علائم، حوزه‌هایی (حوزه‌های پژوهش) است که به صورت عمودی فهرست شده است. (Nelson, 2010:414)

در این راستا برای تحولات صورت گرفته در روابط خویشاوندی خانواده‌های روستایی، پس از مطالعه نظریات غربی و مطالعات اکتشافی صورت گرفته در روستای حصارخروان استان قزوین، دامنه تغییرات در این زمینه و رویدادهای تاریخی و ویژه ایجادکننده آن مشخص شد که همان‌طور که در ماتریس زیر آمده، عوامل تغییر در محور افقی ماتریس و حوزه‌های پژوهشی در محور عمودی قرار گرفته است.

البته در این پژوهش که به روش کیفی انجام شده صرفاً یافته‌ها مربوط به روستاهای موردنظر می‌باشد و نویسنده به هیچ‌وجه قصد تعمیم آن را به همه مناطق روستایی کشور را ندارد.

-
1. Life History Calendar
 2. Martyn
 3. Belli
 4. Dollard

جدول ۱: ماتریس تحولات روابط خویشاوندی

زمان حوزه‌ها	قبل از ۱۳۴۲	اصلاحات ارضی ۱۳۴۷ و شروع طرح قزوین ۱۳۴۲	پیشروی طرح دشت قزوین ۱۳۴۸	پیروزی انقلاب ۱۳۵۷	جنگ	پایان جنگ	زمان حال
نوع روابط خویشاوندی (گستره ارتباطات و میزان آن)							
انتخاب افراد مورد معاشرت یا تن دادن به روابط تحت تاثیرات عرف اجتماعی							

- جامعه هدف

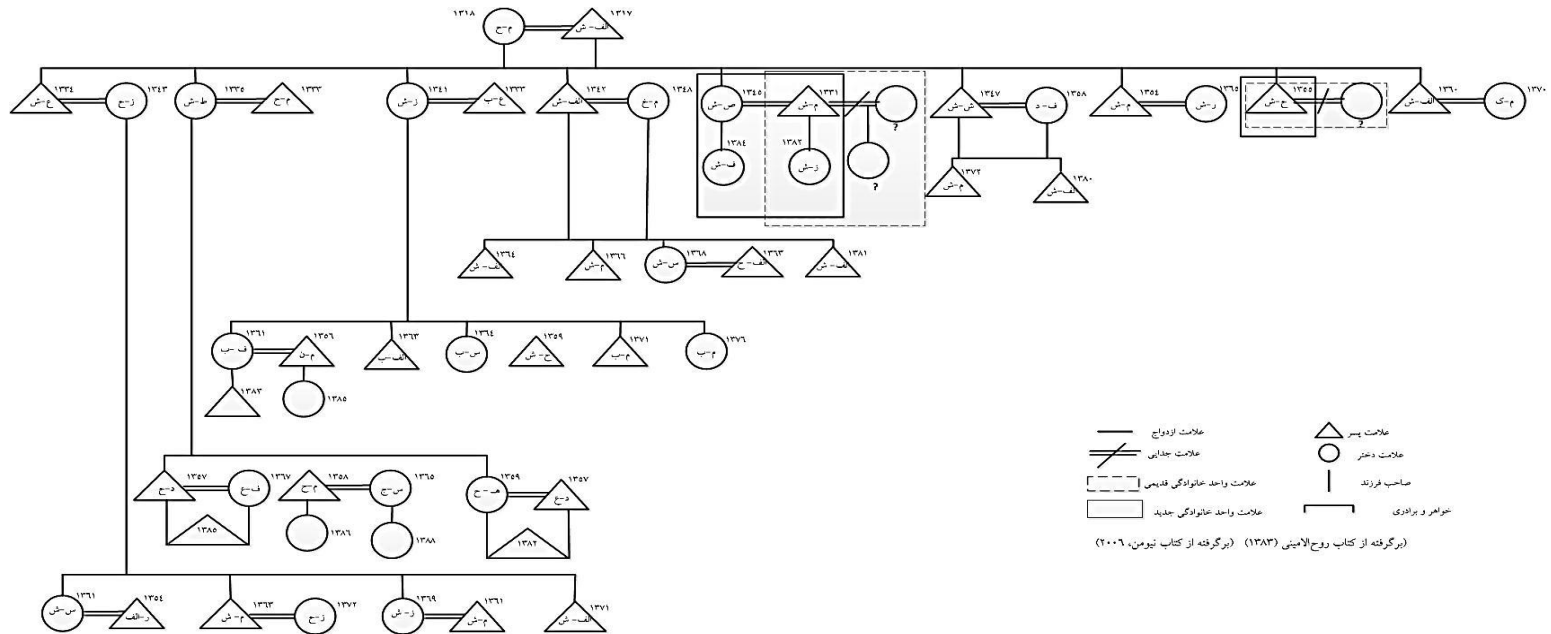
از آنجایی که بنا شد روند تحولات خانواده از بعد اصلاحات ارضی مورد پیگیری قرار گیرد، باید از بین خانواده‌های روستایی (حصارخروان) آن خانواده‌هایی که در زمان اصلاحات ارضی دهه ۴۰ صاحب نسق بودند، به عنوان جامعه هدف انتخاب شوند. تعداد افراد صاحب نسق در روستای حصار ۱۷۸ نفر و در روستای خروان ۱۶۱ نفر بود. (لازم به ذکر است در این زمان هنوز دو روستای حصارخروان و خروان با هم ادغام نشده بود).

- روش نمونه‌گیری و تعیین جامعه مشارکت‌کننده

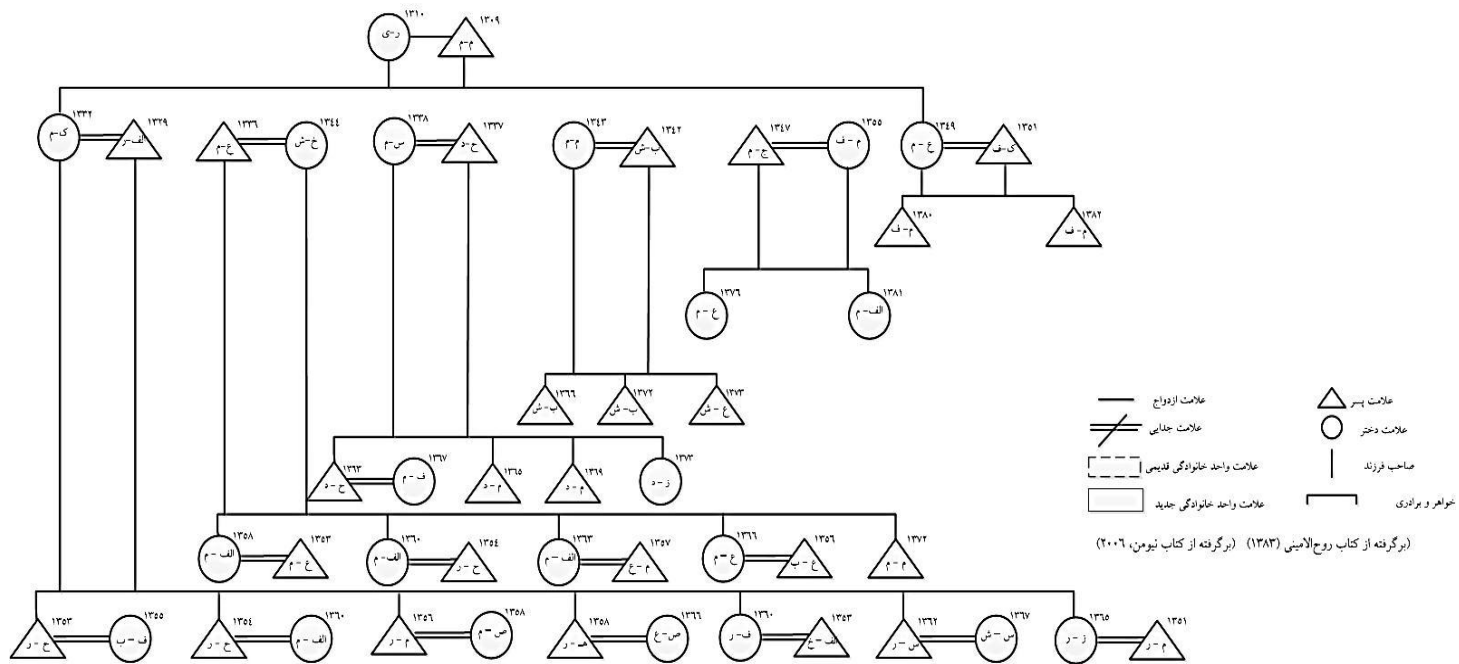
در این پژوهش با توجه به هدف پژوهش بنا شد دو خانواده که یکی از آنها در زمان اصلاحات ارضی ساکن در روستای حصار و دیگری ساکن در روستای خروان بوده‌اند، انتخاب شوند. علاوه بر این معیار، حضور عمده افراد این دو خانواده در جامعه روستایی و عدم مهاجرت آن‌ها به شهرهای مختلف و تمایل به پاسخگویی از ملاک‌های دیگر انتخاب این دو خانواده بودند که در مطالعات اکتشافی صورت گرفته این اطلاعات بدست آمد. بنابراین دو خانواده الف (صاحب نسق زراعی، دارای سهمی معادل ۳۰ هکتار در زمان اصلاحات ارضی به عنوان حق نسق و ۱۲ هکتار زمین کناره‌کاری (خرده مالکی) و خانواده ب (صاحب نسق زراعی، دارای سهم معادل ۸ هکتار در زمان اصلاحات ارضی به عنوان حق نسق و بدون اراضی کناره‌کاری) به عنوان دو خانواده مورد بررسی انتخاب شدند. این دو خانواده در طی سه نسل مورد پژوهش قرار گرفتند. (مجموعاً در هر دو خانواده الف و ب، ۹۷ نفر). شجره‌نامه نسلی این دو خانواده در نمودار شماره ۱ و ۲ آمده است. البته در این تحقیق، تطابق سنی بعضی از افراد در نسل دوم و سوم، لزوم ایجاد گروه‌بندی جدیدی،

نه براساس روابط خونی بلکه بر اساس سن را پدید آورده است. بنابراین ۳ نسل مورد بررسی براساس ۳ گروه‌بندی سنی کلی در نظر گرفته شدند که در گروه اول (نسل اول از نظر سنی) افرادی را شامل می‌شود که در اوج جریان اصلاحات ارضی (یعنی در سال ۱۳۴۷) حداقل ۱۵ ساله بودند. فلسفه انتخاب سن ۱۵ سالگی نیز سن بلوغ مردان است که بیشتر با اصلاحات ارضی درگیر بوده‌اند. بنابراین افراد متولد سال ۱۳۳۲ به قبل در این گروه قرار می‌گیرند.

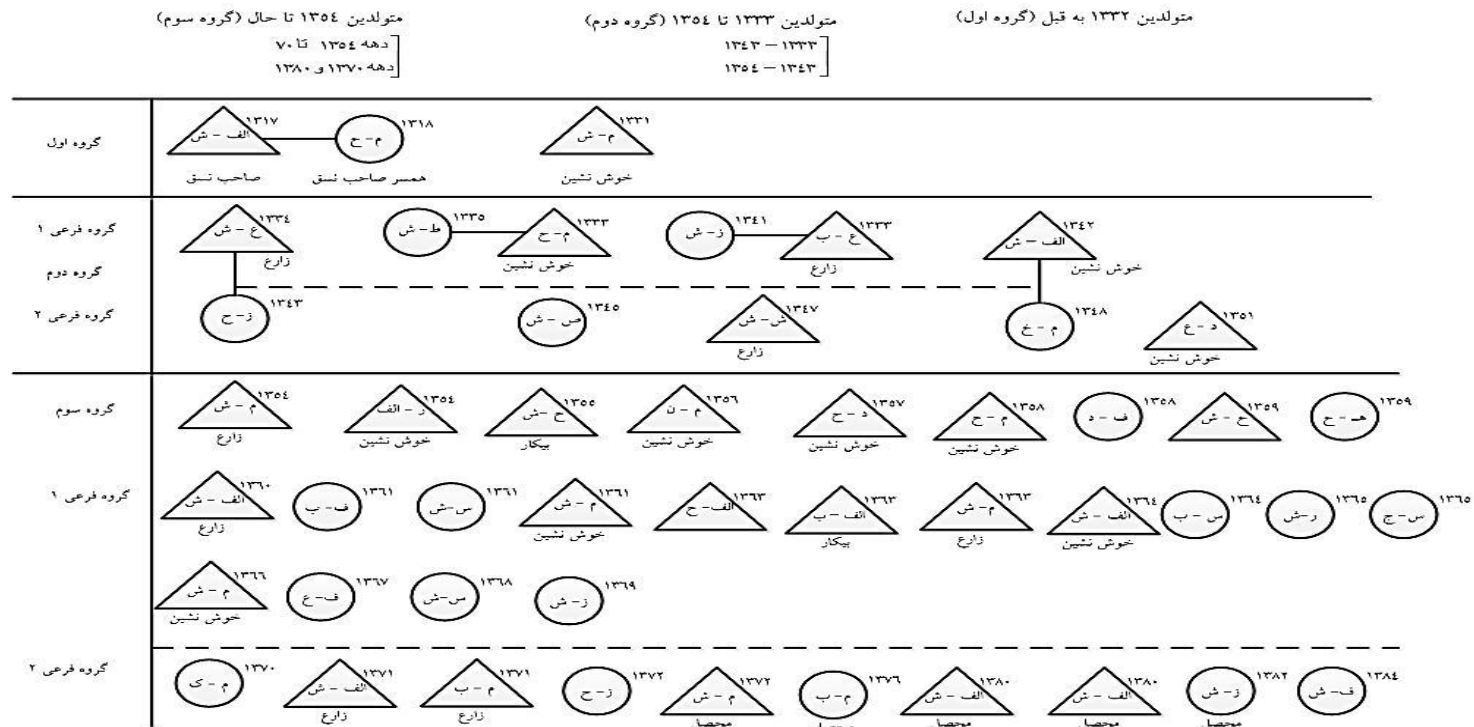
در گروه دوم سنی، افراد متولد بین سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۴ قرار گرفته‌اند که شامل افرادی می‌شوند که در سن ۱۴-۱۵ سالگی و بیشتر، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و در سن ۱۵ سالگی و بیشتر پایان جنگ و روزهای جنگ را تجربه کرده‌اند. (در دو گروه فرعی ۱ و ۲) در ادامه تقسیم‌بندی سنی به گروه سنی سوم می‌رسیم که متولدین ۱۳۵۴ به بعد را شامل می‌شود. (در دو گروه ۱ و ۲) نمودار گروه‌بندی نسلی این دو خانواده در نمودار شماره ۳ و ۴ آمده است.



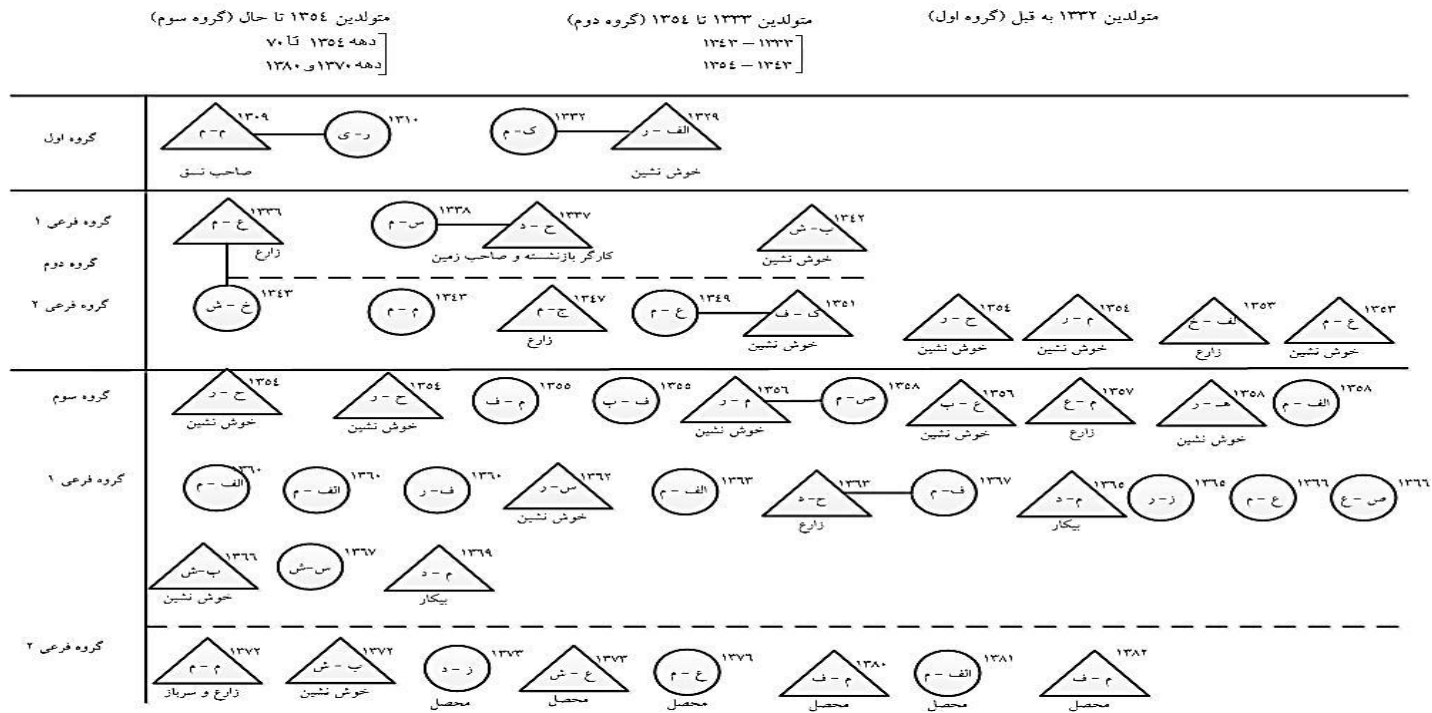
نمودار شماره ۱: شجره نامه نسلی خانواده الف



نمودار شماره ۲: شجره‌نامه نسلی خانواده ب



نمودار شماره ۳: گروه‌بندی سنی در خانواده الف



نمودار شماره ۴: گروه‌بندی سنی در خانواده ب

عوامل تغییر در جامعه روستایی حصارخروان

۱) طرح دشت قزوین

این طرح از سال ۱۳۴۲ به دنبال زلزله‌ای که در شهریورماه ۱۳۴۱ موجب انهدام بسیاری از دهات دشت قزوین گردید، همزمان با اجرای قانون اصلاحات ارضی و نوسازی روستاها براساس قراردادی که بین وزارت کشاورزی و مهندسين مشاورتهال (اسرائیلی) منعقد شد، در سال ۱۳۴۵ وارد مرحله اجرایی گردید (عرفانی و دیگران، ۱۳۵۸: ۱). طرح عمران قزوین با اهداف افزایش تولید و سطح زندگی اهالی شروع شد و استفاده بهینه از آب‌های سطحی از طریق بهره‌برداری صحیح را در رأس کار خود قرار داد. (لاری، ۱۳۷۱: ۷-۶)

به طور کلی این طرح اشاعه روش‌های جدید کشت، بهره‌برداری از ماشین‌آلات کشاورزی، بالابردن بازده در واحد سطح و افزایش درآمد کشاورزان را مدنظر قرار داد و برای رسیدن به این اهداف شکل و ترکیب مؤسسات اجتماعی روستایی را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی با تغییرات کمی و کیفی مواجه ساخت. اجرای این طرح در سال‌های اولیه با چالش‌های مختلفی همراه بود. حفر چاه‌های عمیق و غیراصولی باعث خشکانده شدن تعداد زیادی از قنوات شد و زندگی مردم روستایی را با مشکلات عدیده‌ای روبرو ساخت.

۲) اصلاحات ارضی

انقلاب سفید یا اصلاحات ارضی به عنوان مهمترین عامل و گونه تغییربرانگیزخته (حاصل یک فشار خارجی) و منبع تحولات مهم در جامعه، خاصه جامعه روستایی ایران بوده است. (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۲۱۰)

یکی از اهداف اصلاحات و تغییرات مزبور که عمدتاً عنوان و به دلیل زمینه‌های داخلی بر روی آن تکیه می‌شد - به نحوی که بسیاری از اهداف ضمنی و پنهان تغییرات را تحت‌الشعاع قرار داده بود - موضوع رهایی روستاییان به ویژه زارعین از قید مالکان بود. به عبارت دیگر حذف سیاسی مالک از روستاها نه تنها هدف عمده تبلیغاتی بود، بلکه در عمل فروپاشیدن نظام و ساخت اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی روستاها را وجهه همت قرار

داده بود. (طالب، ۱۳۷۶: ۲۳-۲۲) مبنای تعلق زمین به کشاورز، نسق بود. با چند استثنا، تنها کشاورزان صاحب نسق، حق دریافت زمین داشتند. در املاک انتقال یافته، زارعان صاحب نسق، مالک زمینی می‌شدند که در زمان به اجرا درآمدن قانون اصلاحات ارضی در منطقه خود، روی آن کشت می‌کردند. (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

در روستای حصارخروان نیز (که امروزه در قالب یک روستا مطرح است) به تفکیک در روستای حصار و خروان نحوه اجرای قانون اصلاحات ارضی بر طبق اطلاعات بدست آمده مدیریت اراضی استان قزوین (وابسته به سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین) به شرح زیر می‌باشد:

در روستای حصار، ۵۸ فرد (سهم) از ۷۲ فرد شش دانگ در اجرای ماده ۱۱ قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستأجر به نسبت بهره مالکانه تقسیم گردیده است (مرحله سوم)، ۷ فرد از ۷۲ فرد شش دانگ در اجرای شق فروش از قانون مذکور به زارعین واگذار شده است. ۷ فرد از ۷۲ فرد شش دانگ خرده مالک خود کار قید گردیده است. تعداد مالکین، ۱۴ نفر، تعداد زارعین صاحب نسق ۱۷۸ نفر و میزان افراد مستثنی شده از تقسیم ۲/۹۵ هکتار و میزان مساحت اراضی زراعی باغی ۱۸۲۹/۹۹ هکتار.

در روستای خروان، چهار دانگ از شش دانگ در اجرای مرحله اول قانون خریداری و به زارعین منتقل گردیده (۶۴ فرد از ۹۶ فرد)، یک و یک چهارم دانگ از شش دانگ در اجرای قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستأجر مشمول شق تقسیم گردید (۲۰ فرد از ۹۶ فرد). یک ششم دانگ از شش دانگ موقوفه (دو و دوسوم فرد از ۹۶ فرد)، هفت دوازدهم دانگ از شش دانگ مشمول شق فروش مورد اجاره به زارعین مستأجر می‌باشد. تعداد مالکین ۷ نفر، تعداد زارعین صاحب نسق ۱۶۱ نفر و میزان اراضی مستثنی شده از تقسیم، صفر و میزان مساحت اراضی زراعی و باغی ۲۲۲۹/۲۵ هکتار. البته به نقل از افراد محلی در حدود سال‌های ۵۲-۱۳۵۰ کدخدای این روستا، برای دسترسی به زمین‌های زراعی بیشتر خارج از قانون، مقداری از اراضی روستاییان را به خود اختصاص داده بود که در بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و طی جدال‌هایی که در جامعه روستایی درگرفت،

روستایان قدرت یافتند با شکایت به دادگاه انقلاب، زمین‌های خود را بازپس گیرند و موجب دستگیری و به زندان افکندن کدخدا گردند.

کاهش اهمیت بنه یکی از نتایج مستقیم، هرچند ناخواسته اصلاحات ارضی بود. از آنجا که کار مشترک، یکی از سنت‌های دیرپا در میان کشاورزان بود، در آغاز اجرای اصلاحات ارضی گرایش شدیدی نسبت به دست‌نخورده گذاشتن ترکیب بنه‌ها وجود داشت. (صفی‌نژاد، ۱۳۵۳: ۱۷۸) البته در روستای موردنظر به دلیل قرارگرفتن در پوشش طرح عمران دشت قزوین و سیاست انتخابی متخصصان شرکت اسرائیلی تهال در اداره تعاونی اراضی - به دلیل فایق آمدن بر مشکل کم‌آبی - تعدادی از واحدهای زراعی در قالب بنه اداره می‌شدند.

گسیل نیروهایی تحت عناوین سپاهیان انقلاب (سپاه دانش، ترویج، بهداشت، عدالت) به روستاها نیز علاوه بر تکمیل ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مدیریت سابق، نيات و اهداف طراحان اصلاحات ارضی را در قالب‌های ظاهرالصلاح به مرحله اجرا درمی‌آورد. (طالب، ۱۳۷۶: ۸۳)

۳) انقلاب اسلامی

وقتی انقلاب نیرو گرفت و موضع حمایت‌کننده و ضدحکومتی از طریق فعالیت سیاسی آشکار در روستاها تجلی یافت، این امر منتهی به تشکیل دو گروه متمایز موافقان شاه و مخالفان او (در واقع طرفداران آیت‌الله خمینی) شد. (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۲۴۹) بنابراین برای ایجاد آرامش در جامعه روستایی، سازمان‌ها و نهادهای مختلفی وارد روستا شدند. (هیأت ۷ نفره واگذاری زمین، جهاد کشاورزی و مدارس در مقاطع گوناگون برای دختران و پسران، تلویزیون و ...) که هر یک با اقدامات گوناگون خود جامعه روستایی را در معرض تغییرات گوناگونی قرار دادند.

دست یافتن تعدادی از خوش‌نشینان (موسوم به گروه مردمی) به اراضی کشاورزی و عدم منتفع شدن گروه دیگر (موسوم به گروه طرفدار کدخدای سابق ده) طی تقسیم اراضی توسط هیأت ۷ نفره واگذاری زمین - تضادها و آشفتگی‌هایی را در جامعه روستایی پدید

آورد - به طوری که در این جدال‌ها، تعدادی (از دو طرف درگیری) جان خود را از دست دادند و بعضی از مساجد و حسینیه‌های روستا سال‌ها بسته شدند.

۴) جنگ تحمیلی ایران و عراق و پس از آن

با درگیر شدن کشور به جنگ، شرایط ویژه‌ای در کشور و روستاهای آن ایجاد شد. برپایی پایگاه‌های بسیج برای اعزام نیروهای بسیجی به جبهه‌های جنگ و جمع‌آوری کمک‌های مردمی از جمله فعالیت‌هایی بود که توسط مردان و زنان روستایی در این برهه زمانی انجام می‌شد. (در این روستا حدود ۵۰ مرد به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شدند که از این تعداد، ۱۸ نفر به درجه رفیع شهادت نائل شدند. ۳ نفر مفقودالثر گشتند و ۴ نفر نیز به اسارت درآمده و از آزادگان روستا محسوب می‌شدند).

در این روستا، شرایط بوجود آمده، اختلافات ناشی از تقسیم اراضی توسط هیأت ۷ نفره واگذاری زمین را تا حدود زیادی ترمیم کرد و بر همدلی مردم افزود. به طوری که با ورود اولین شهید در فروردین ۱۳۶۱ به روستا روستاییان در آن سال مراسم عید را برگزار نکردند و تا چند سال بعد از آن عمدتاً خانواده‌ها لحظه سال تحویل خود را در جوار خانواده‌های شهدا سپری می‌کردند.

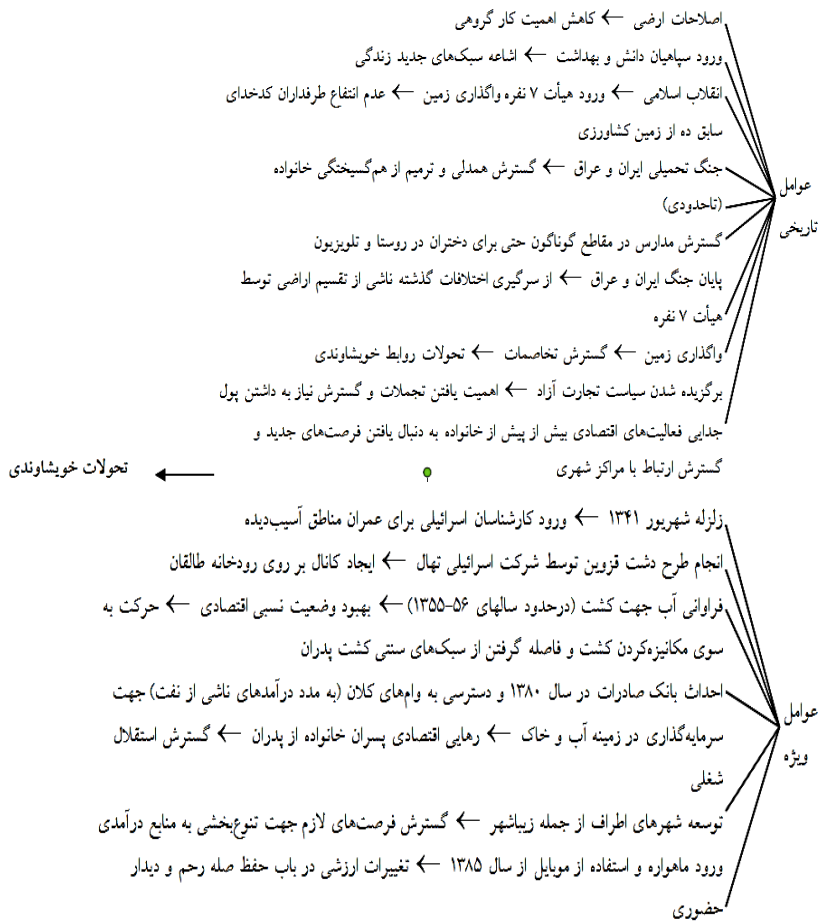
با پایان جنگ تحمیلی ایران و عراق و تغییر سیاست‌های حکومتی در مدیریت جامعه (انتخاب سیاست اقتصاد آزاد) و گسترش تبلیغات رسانه‌ای که مصرف‌گرایی را ترویج می‌کرد، بسیاری از ارزش‌های گذشته (در زمان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) دچار تحولات اساسی شدند. (رفیع‌پور، ۱۳۸۴)

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق و تغییر شرایط جامعه، اختلافات گذشته دوباره از سرگرفته شد. به طوری که تعداد زیادی به دلیل شرکت در این تخاصمات روانه زندان شدند و نوعی گسستگی در جامعه روستایی حصارخروان پدید آمد. حکومت اسلامی، شرط رهایی زندانیان را منوط به صلح طرف‌های درگیر قرار داد. بنابراین تا حدود زیادی جو حاکم بر روستا آرام گشت.

تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پدید آمده در دهه ۸۰ (احداث بانک صادرات، توسعه شهر زیباشهر و مراکز صنعتی در اطراف روستا، ورود ماهواره و گسترش استفاده از موبایل و ...) همه و همه در تغییرات شتابان دهه گذشته دخیل بوده‌اند.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به موارد عنوان شده می‌توان عوامل ایجادکننده تغییر را در قالب عوامل تاریخی و عوامل ویژه مطرح نمود.



یافته‌های پژوهش

با استفاده از اطلاعات گردآوری شده از ۹۷ نفر از دو خانواده الف و ب در ۳ گروه سنی اصلی و فرعی یاد شده در ماتریس تحولات روابط خویشاوندی، نتایج پژوهش در قالب ۳ گروه سنی و در حوزه‌های پژوهشی مورد بررسی تحت تأثیر رویدادهای تاریخی و ویژه‌ای که در کشور و منطقه مورد نظر پدید آمده به شرح زیر است:

۱- گروه سنی اول

این گروه مجموعاً شامل ۷ نفر (۴ مرد و ۳ زن) در هر دو خانواده می‌باشد که ۲ نفر از مردان در قید حیات نبوده و اطلاعات مربوط به ایشان از همسران و فرزندان آنها گردآوری شد.

۱-۱- نوع روابط خویشاوندی (گستره ارتباطات و میزان آن)

تا زمان اصلاحات ارضی، حفظ روابط خانوادگی و معاشرت با خویشان و همسایگان و آگاهی از حال و روز آنها از الزامات خانواده‌های روستایی در این دوران محسوب می‌شود. تقریباً هر شب مراسم شب‌نشینی در خانه‌های روستایی، برپا بود که در این مراسم، اغلب بزرگان فامیل از روی کتاب‌های جوهری (موسوم به کتاب خزانه اخشاء که مشتمل بر نوحه بود) داستان‌هایی را برای مهمان‌ها روایت می‌کردند و با آگاهی از مشکلات یکدیگر، درصدد کمک دسته‌جمعی برای رفع آن مشکل برمی‌آمدند. در این دوران به دلیل همگن بودن نسبی سطح زندگی روستاییان (به لحاظ تحصیلات، ارتباط با مراکز شهری و میزان درآمد) و عدم تفاخر آنها به یکدیگر همه اعضای خانواده، همسایگان و کلیه روستاییان اعم از زمین‌دار و خوش‌نشین با یکدیگر ارتباط قوی داشتند. زیرا در این دوران وضعیت اقتصادی زمین‌دار و خوش‌نشین چندان با یکدیگر متفاوت نبود و محصول ناچیزی از اراضی کشاورزی به دست می‌آمد که ناشی از عدم دسترسی مناسب زمین‌داران به آب زراعی و زلزله‌ای بود که تا حدودی مسیر آب‌های زیرزمینی را با تغییر روبرو ساخته بود. به دنبال زلزله در منطقه بوئین‌زهرا، شرکت اسرائیلی تهال برای سامان دادن به اوضاع کشاورزی و تنوع منابع درآمدی کشاورزان به روستاهای این منطقه وارد شد. در اثر

تصمیمات نادرست مجریان این شرکت، بسیاری از قنات‌های منطقه خشک شدند. به طوری که افراد حتی برای موارد ضروری زندگی خود نیز با مشکل روبرو شدند. ولی این امر باعث کاهش همدلی مردم روستایی نشد.

مثلاً در دوران اسفبار کم‌آبی و کم‌غذایی سال‌های بین ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ در این روستا افراد در حد توان خود به یکدیگر یاری می‌رساندند. مثل پختن لوبیا چشم‌بلبلی توسط متمولین روستا و تقسیم آن بین افراد مستمند خانواده. در این ارتباط از طرف آقای م - م نقل شد که ایشان در این دوران در یکی از رستوران‌های اطراف روستا به نگهداری اشتغال داشتند (به علت عدم بدست آوری محصول از زمین) و ته‌دیگ رستوران را آب بسته و آن را برای خوراک خانواده خود و خویشاوندانش می‌آوردند.

در این دوران، مهمانی‌ها که گستره آن از فامیل درجه یک فراتر می‌رفت و خویشاوندان دورتر و حتی همسایگان را نیز شامل می‌شد، نحوه پذیرایی بسیار ساده بود. در این ارتباط خانمی (خانم م - ح متولد ۱۳۱۸) از خانواده الف عنوان داشتند:

«به یاد دارم، با یک کاسه کشمش، یک کاسه سنجد و یا قیصی و بادام که از

محصولات باغی خودمان بود، یک شب‌نشینی را طی می‌کردیم ولی خوش بودیم.»

در این دوران طبق اظهارات افراد در این گروه سنی، افراد منتظر دعوت رسمی از طرف میزبان نمی‌ماندند و حتی با وجود فرزندان نوزاد و نداشتن وسیله نقلیه از فرقان برای نقل و انتقال نوزادان خود به مراسم شب‌نشینی استفاده می‌کردند. در این ارتباط خانمی (خانم ک - م متولد ۱۳۳۲) از خانواده ب عنوان داشتند:

«در فصل زمستان با وجود سرما و داشتن بچه‌های کوچک و نوزاد، بیشتر شب‌ها

برای شب‌نشینی به خانه پدرم می‌رفتیم. آن موقع ماشین و موتور نبود، پتویی را در

کف فرقان پهن می‌کردم و بچه‌هایم را روی آن می‌خواباندم و از فرقان به عنوان

کالسکه استفاده می‌کردم.»

در این دوران، همدلی و رعایت حال همسایگان به قدری قوی بود که حتی در صورت فوت یکی از فرزندان همسایگان، همسایه نام فرزند خود را که هم‌نام با فرد متوفی بود، عوض می‌کرد تا اسباب رنجش مادر متوفی را فراهم نسازد.

در این مقطع، گزینه‌های گوناگون در پیش روی افراد روستایی وجود نداشت تا از میان آن دست به انتخاب بزنند. جبر محیطی و اجتماعی که کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید، باعث می‌شد روستاییان بدون احساس هیچ‌گونه فشاری به حفظ روابط خود با خانواده و روستاییان پردازند. زیرا شرط بقا حکم می‌کرد که در این شرایط همه اعضای خانواده با یکدیگر به کشت پردازند.

حتی به‌ثمر رسیدن طرح دشت قزوین و ورود آب فراوان به روستا (سال ۱۳۴۸) که باعث بهبود وضعیت کشاورزان شد، روابط خویشاوندی را دچار اختلال نکرد (به دلیل بسته بودن جامعه روستایی و عدم الگوبرداری از جامعه شهری تجانس جامعه روستایی). البته در این دوران بود که کم‌کم فرزندان شروع به جداسازی مسکن خود از خانواده‌های گسترده خود شدند. (به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی کشاورزان)

۲-۱- انتخاب افراد مورد معاشرت یا تن دادن به روابط تحت تأثیرات عرف اجتماعی

اگرچه افراد در این گروه سنی برای داشتن روابط با دیگر اعضای روستا، اعم از فامیل و همسایگان بصورت گزینشی عمل نمی‌کردند ولی هیچ‌گونه احساس اجبار و ناخوشایندی در داشتن این روابط برای آنها وجود نداشت و آن را امری بدیهی و غیرقابل انکار می‌انگاشتند. عدم ارتباطات وسیع با مناطق شهری و بسته‌بودن جامعه روستایی، عدم وجود فردگرایی، عدم گسترش روابط پولی و همگنی جامعه روستایی از جمله عوامل مهم حفظ‌کننده روابط افراد روستایی بودند. بنابراین افرادی نیز که به دلایل گوناگون مجبور به مهاجرت‌های موقتی به مراکز شهری شده بودند، اگرچه با افراد گروه‌های متفاوتی به لحاظ اقتصادی و اجتماعی و عقیدتی آشنا شدند ولی به دلیل عدم احساس تجانس با آنها، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روابط قابل‌توجهی بین آنها شکل نگرفت. بطور کلی افراد در جامعه روستایی برای انجام صله رحم و داشتن روابط خویشاوندی و همسایگی هیچ‌گونه آداب و تربیت خاصی را جستجو نمی‌کردند.

۲- گروه سنی دوم

این گروه مجموعاً شامل ۲۴ نفر (۱۵ مرد و ۹ زن) در هر دو خانواده می‌باشند.

۱-۲- روابط خویشاوندی (گستره ارتباطات و میزان آن)

انجام صله رحم به عنوان یکی از ارزش‌های سفارش شده در اسلام و به عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگی خانواده‌های روستایی می‌باشد که از سبقه طولانی برخوردار است. اگرچه این مهم تا مدت کوتاهی بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ادامه داشت ولی در جریان تحولات جامعه و همچنین بروز ارزش‌های رقیبی که به دنبال تقسیم اراضی بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ توسط هیأت ۷ نفره واگذاری زمین پدید آمد و باعث محروم‌سازی تعدادی از خوش‌نشینان فاقد زمین زراعی گشت باعث شد روابط خانوادگی و همسایگی جامعه روستایی (به ویژه در گروه فرعی ۱) را دچار اختلال نماید و نوعی خشم و کینه در وجود افراد محروم شده از زمین پدید آورد.

به طور مثال آقای (آقای ج - م متولد ۱۳۴۲) از گروه فرعی ۱ و خانواده ب به دلیل قرار داشتن در جبهه طرفدار کدخدای سابق ده، علی‌رغم نداشتن زمین زراعی از دریافت زمین محروم شد و طبیعتاً در نوع روابط وی و خانواده‌اش با افراد متنفع روستا، تأثیراتی را ایجاد کرد.

علاوه بر این قدرت یافتن روستاییان بعد از انقلاب اسلامی باعث شد آنها به نحوه تقسیم اراضی کدخدا در سال‌های ۵۲-۱۳۵۰ اعتراض کنند و این امر باعث شد گروه‌بندی جدیدی در جامعه روستایی ایجاد شود. گروهی موسوم به گروه مردمی و گروهی دیگر موسوم به گروه طرفدار کدخدا. اختلافات تا جایی پیش رفت که تعدادی به زندان افتادند و حتی روابط دو خواهر به دلیل گروه‌بندی‌های مختلف همسرانشان دچار اختشاش شد. به طوری که خواهر متمول حاضر نبود به دلیل اختلافات پیش آمده به خواهر خود که با مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو بود (حتی برای خرید چکمه گرم فرزند خود دچار مشکل بود) کمک کند.

در صورتی که میزان روابط روستاییان قبل از وقوع این اتفاقات بسیار فراوان بود. به طوری که آقای (آقای الف - خ متولد ۱۳۵۳) از خانواده ب عنوان داشتند:

«تا دوران نوجوانی‌ام، وقتی عید می‌شد، شاید من به خانه دو بیست نفر برای عید

دیدنی می‌رفتم. اصلاً در همه خانه‌ها تا سیزده نوروز باز بود. ولی حالا چه؟»

۲-۲- انتخاب افراد مورد معاشرت یا تن دادن به روابط تحت تأثیر عرف اجتماعی

در گروه فرعی ۱، افراد تا قبل از انقلاب اسلامی برای انجام صله رحم با افراد مختلف روستا (اعم از فامیل، همسایگان و ...) به دنبال معیارهای خاصی نبودند ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن تقسیم اراضی بین خوش‌نشینان طرفداران حکومت اسلامی توسط هیأت ۷ نفره واگذاری زمین و محروم‌سازی بقیه افراد روستا از این منفعت، تضادهایی در جامعه روستایی پدید آمد که باعث شد افراد در معاشرت‌های خود ملاک‌هایی مثل هم‌فکری را لحاظ نمایند. این روند تا زمان جنگ ادامه داشت و در زمان جنگ به دلیل ایجاد شرایط جدید کشور تا حدودی مسکوت ماند.

در گروه فرعی ۲ با پایان یافتن جنگ و از سرگیری تخصصات، روابط خانواده‌های طرفین مخاصمه قطع شد. به گونه‌ای که افراد متعلق به گروه‌های فکری متفاوت به مساجد مختلف روستا مراجعه می‌کردند تا حتی با یکدیگر مواجه نشوند.

علاوه بر این، تغییرات شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مثل مهم شدن پول (به ویژه بعد از سال ۱۳۶۸)، کاهش اقتدار والدین که حافظ روابط خانوادگی بودند، گسترش ارزش‌های فردگرایانه باعث شد، افراد در معاشرت‌های خود صرفاً هم‌خون بودن و فامیل بودن را لحاظ نمایند و از بین آشنایان خود، افرادی را برای معاشرت گزینش نمایند. علاوه بر این دسترسی بیشتر فرزندان اعم از دختر و پسر به مراکز آموزشی رسمی آن‌ها را با ادبیات جدیدی روبرو ساخت و می‌توان ادعا کرد زمزمه‌های به چالش کشیده شدن دانش بومی والدین از این مقطع شروع شد.

۳- گروه سنی سوم

این گروه مجموعاً شامل ۶۶ نفر (۳۵ مرد و ۳۱ زن) در هر دو خانواده می‌باشد.

۳-۱- نوع روابط خویشاوندی (گستره ارتباطات و میزان آن)

به نظر می‌رسد میزان معاشرت‌های خانوادگی در جامعه روستایی طی دهه اخیر، کاهش چشمگیری را تجربه کرده باشد. بالا رفتن سطح تحصیلات فرزندان، بهبود وضعیت اقتصادی کشاورزان و دسترسی ساده و فراوان به وام‌های کلان که توسط بانک صادرات احداث شده در روستا امکان‌پذیر شد، احداث مراکز صنعتی گوناگون در نواحی روستایی،

گسترش شهرکی در ۲ کیلومتری روستا با نام زیباشهر که افراد گوناگون با فرهنگ‌های متنوع را برای اشتغال در مراکز صنعتی در خود جای داده است، دسترسی فراوان به رسانه‌های داخلی و خارجی، دسترسی به موبایل و فروش اراضی به شرکت‌های اطراف توسط افرادی که بعد از انقلاب به اراضی دست یافته بودند (از طریق هیأت ۷ نفره واگذاری اراضی) همه موجب ارزش‌های جدیدی در جامعه روستایی حصارخروان شده است. طبق اظهارات افراد در این گروه سنی، میزان معاشرت‌ها در دوران نوجوانی (در گروه فرعی ۱) با خویشان دور و نزدیک و همسایگان از رونق خاصی برخوردار بوده ولی امروزه تحت تأثیر عوامل گوناگون این روابط کاهش یافته است. در گروه فرعی ۱، افراد میزان معاشرت‌ها را به جمع شدن خانواده درجه یک (خواهران و برادران) در منزل والدین‌شان (هفته‌ای یکبار) محدود می‌دانند و معاشرت با دیگر اعضای خانواده (عمه، خاله، دایی، عمو و...) را به مراسم خاص (عید غدیر، مراسم خویش‌طلبان، مراسم پایان سربازی پسران و...) و یا عید نوروز ماکول می‌کنند. در این رابطه خانمی (خانم الف - م متولد ۱۳۵۸) از خانواده ب عنوان داشتند:

«اگر همین‌طور و بدون هیچ‌گونه مراسمی به خانه خاله و عمه و ... بروم آنها

تعجب می‌کنند و پیش خودشان می‌گویند چه شده که پا شده آمده اینجا».

خانم دیگری (خانم ع - م متولد ۱۳۶۶) از همین خانواده عنوان داشتند:

«عمه‌هایم هیچ‌کدام برایم مراسم خویش‌طلبان (پاگشا) نگرفتند برای همین من هم

قصد دارم تلافی کنم. شاید امسال عید به خانه‌شان بروم و یا اگر بروم یک ربع

می‌نشینم و بلند می‌شوم».

بعضی از افراد این گروه معتقدند تا چند سال آینده، شاید دید و بازدید سالی یک‌بار عید نوروز هم از سکه بیافتد. در این گروه افراد علت کاهش میزان معاشرت‌ها را به عوامل مختلفی نسبت دادند. قهر و اختلاف والدین این گروه با دایی‌ها و عموها بر اثر مسایل مختلف از جمله مهم شدن مسایل مادی و پول‌گرایی و تقسیم سهم الارث، وجود تجملات در مراسم پذیرایی، پخش سریال‌های مختلف در تلویزیون و ماهواره تا پاسی از شب، بزرگ شدن فرزندان و گرد آمدن خانواده با فرزندان، عروس‌ها، دامادها و نوه‌های خود و عدم لزوم معاشرت با دیگر خویشان، منتظر ماندن افراد به دعوت رسمی از آن‌ها برای

شرکت در شب‌نشینی‌ها، حضور تلفن و موبایل در همه منازل که امکان آگاهی از حال یکدیگر را به راحتی فراهم آورده، فوت پدربزرگ‌ها و یا مادربزرگ‌ها که اکثر فرزندان و فرزندزادگان در منزل آن‌ها جمع می‌شدند. در گروه فرعی ۲ نیز افرادی مشغولیت به تحصیل را مانع معاشرت‌های فراوان خود قلمداد کردند و عده‌ای تغییرات فیزیولوژیکی بدن و طی کردن مراحل بلوغ را عاملی برای گوشه‌گیری و شرم حضور خود دانستند و عده دیگر اعتقاد داشتند که میزان روابط باید حساب‌شده باشد. البته شایان ذکر است که میزان معاشرت‌ها در خانواده الف نسبت به خانواده ب از میزان بیشتری برخوردار است که شاید علت آن احترام بیشتر اعضای این خانواده به مادربزرگ‌شان و حفظ منزل پدربزرگ و ادامه زندگی مادربزرگ خانواده در آن پس از فوت همسرشان (عدم تقسیم خانه پدری بین وراثت) باشد. به گونه‌ای که کلیه نوه‌های این خانواده برای طولانی شدن عمر مادربزرگ خود دعا می‌کردند که عامل جمع شدن کلیه فرزندان و فرزندزادگان هستند.

۲-۳- انتخاب افراد مورد معاشرت یا تن دادن به روابط تحت تأثیرات عرف اجتماعی

امروزه به دلیل عدم نیازهای خانواده‌های هسته‌ای به دیگر اعضای خانواده گسترده، قدرت یافتن زنان و شاید فرصت یافتن برای تسویه حساب‌های گذشته به دلیل کاهش اقتدار و احترام والدین همسرانشان، سست شدن اهمیت مشارکت و همدلی، استخدام نیروی کار و گسترش مکانیزاسیون که نیاز به اعضای خانواده گسترده را کاهش داده، یافتن دوستانی در خارج از محیط روستا در اثر گسترش ارتباطات، گسترش ایده‌های فردگرایانه و مادی‌گرایانه، اهمیت یافتن شئون فردیو ارتباط با افراد هم‌شان، مشکلات زناشویی و اعتیاد تعدادی از فرزندان، ساختارهای گذشته از بین رفته و ساختارهای جدیدی برای معاشرت بنیان گذاشته شده است، به طوری که عمده افراد در این گروه فرعی روابط خود را با دیگر افراد روستایی و غیرروستایی به شکل انتخابی سامان می‌دهند. در این رابطه در اینجا به یک نقل قول بسنده می‌شود. خانمی (خانم ف - م متولد ۱۳۶۷) از خانواده ب عنوان داشتند:

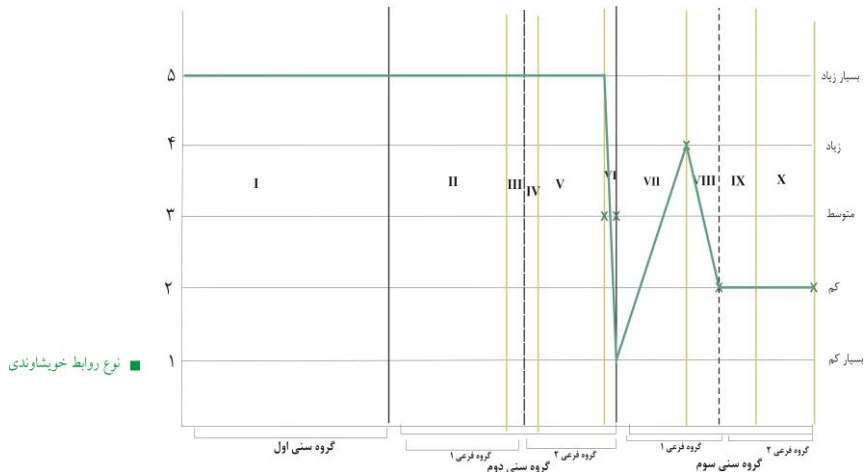
«تا می‌توانم به منزل مادرشوهرم کمتر می‌روم و هر وقت هم که می‌روم به اصرار زیاد شوهرم مجبور می‌شوم. چون آنها حرمت مرا حفظ نمی‌کنند. علت اصلی بی‌احترامی آنها این است که من با پسرشان در راه مدرسه آشنا شده بودم.»

در گروه فرعی ۲ نیز عمده مردان و زنان در انتخاب زمان، میزان و افراد مورد معاشرت بسیار خودمختارانه عمل می‌نمایند و الزامات و اجبارات فامیلی نیز مانع عملی کردن تصمیماتشان نمی‌شود. در این ارتباط خانمی (خانم ز- ح متولد ۱۳۷۲) از خانواده الف که به تازگی به خانه بخت رفته بود، عنوان کرد:

«حتی اگر مادرشوهرم مرا برای شام یا نهار دعوت کند و من حوصله نداشته باشم و یا اگر تازه به خانه آنها رفته باشم، عذرخواهی می‌کنم و به خانه‌شان نمی‌روم. شوهرم مرا درک می‌کند و خودش هم نمی‌رود.»

تحت تأثیر تغییرات شتابانی که از دهه ۸۰ جامعه روستایی را تحت تأثیر خود قرار داده گروه سنی اول و دوم (به میزان بیشتر) نیز، میزان و گستره روابط خویشاوندی دچار تحولات چشمگیری شده است.

در این بخش برای مشخص شدن نحوه اثرگذاری هر یک از رویدادهای تاریخی و ویژه صورت گرفته در کشور و منطقه موردنظر بر نوع و حیطه روابط خویشاوندی نمودار زیر آورده می‌شود. (نمودار شماره ۵) در این نمودار گروه‌های سنی اول، دوم و سوم به تفکیک در محور افقی نمودار آورده شده و خطوط توپر و نقطه‌چین گروه‌های اصلی و فرعی را از هم مجزا می‌سازد. خطوط کمرنگ‌تر نیز وقایع ویژه پدید آمده در روستای موردنظر را ترسیم می‌نمایند که با شماره‌های لاتین در ذیل نمودار توضیح داده شده است. در محور عمودی نمودار، حیطه پژوهش (نوع روابط خویشاوندی) قرار دارد که فراز و فرودهای این نمودار نشان از تأثیرپذیری روابط خویشاوندی از رویدادهای تاریخی و ویژه پدید آمده در سطح کشور منطقه دارد. از آنجا که روش تحقیق روش کیفی است، مقدار کمی برای نشان دادن میزان تحولات مدنظر نیست. بنابراین منظور از بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد در نمودار صرفاً برای نشان دادن نسبت تحولات در هر گروه سنی، تحت تأثیر هریک از نقاط عطف زمانی در پژوهش می‌باشد. علاوه بر این علامت ضربدر نشان‌دهنده تأثیر رویدادهای تاریخی و ویژه بر حوزه پژوهش می‌باشد.



نمودار شماره ۵: تحولات روابط خویشاوندی با توجه به رویدادهای تاریخی و ویژه

- ۱- بسیار کم ۲- کم ۳- متوسط ۴- زیاد ۵- بسیار زیاد
- I: زلزله در قزوین و خشک شدن تعدادی از قنوات در سال ۱۳۴۱
- II: امکان‌سنجی طرح دشت در سال ۱۳۴۲ و آغاز به کار آن در سال ۱۳۴۳ و استقرار اسرائیلی‌ها در محل و حفر چاه‌های عمیق و اقدام به خشکاندن قنوات
- III: احداث ۴ اتوبان تا سال ۱۳۴۶
- IV: اوج جریان اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۷ و ورود سپاهیان گوناگون به روستا
- V: ورود آب کانال در سال ۵۶-۱۳۵۵
- VI: انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (ورود تلویزیون و تأسیس مدارس در مقاطع گوناگون برای دختران و پسران)
- VII: پایان جنگ تحمیلی و تغییر سیاست‌های مملکتی
- VIII: احداث کارخانه‌های مختلف در اطراف روستا در نیمه اول دهه ۱۳۷۰
- IX: شروع دهه ۸۰
- X: گسترش اعتبارات بانکی، توسعه شهرهای اطراف
- XI: ورود ماهواره در سال ۱۳۸۵ و گسترش استفاده از موبایل

۴- نوع روابط خویشاوندی (گستره ارتباطات و میزان آن) در گروه سنی اول و

دوم تحت تاثیر گروه سنی سوم

به تبعیت از گروه سنی سوم، در گروه سنی دوم و به میزان کمتر در گروه سنی اول، گسترش ارزش‌های تجمل‌گرایانه، گرانی، تنوع یافتن وسایل سرگرمی خانواده‌ها، (از جمله تلویزیون و ماهواره و ...)، گسترش امکانات ارتباطی مثل وجود حداقل یک خط تلفن در هر خانه روستایی، ورود بحث‌هایی مثل تقسیم ارث بین خواهران و برادران و یافتن

معاشران شهری، از میزان معاشرت‌ها در بین افراد روستایی کاسته و حیطه آن نیز تنگ‌تر شده است. به طوری که افراد از حضور بستگان خود در منازلشان در غیر از مراسم خاص تعجب می‌کنند و افراد بدون دعوت قبلی و عدم آمادگی صاحب‌خانه به منزل یکدیگر مراجعه نمی‌کنند. در این ارتباط آقای (آقای الف - خ متولد ۱۳۵۳) و از خانواده ب عنوان داشتند:

«حدود ۵ ماه است که به خانه برادرم نرفتم. چون هر وقت به آنجا می‌رویم آنها باز دید ما نمی‌آیند. این یعنی این که شما هم دیگر خانه ما نیاید. دیگر کلاس آنها به ما نمی‌خورد و با دوستان شهری‌شان رفت‌وآمد می‌کنند».

۵- معاشرت‌های خانوادگی به لحاظ انتخاب افراد مورد معاشرت یا تن دادن به روابط تحت تأثیر عرف اجتماعی

امروزه به طور ویژه‌تر در گروه سنی دوم، معاشرت با افراد گوناگون، امری اختیاری و انتخابی شده است. هر چند که در گروه سنی اول هم در این زمینه تغییرات جزئی صورت گرفته است. در این راستا در گروه سنی دوم، افراد سعی می‌کنند تنها با افراد هم‌فکر و گاهی شهری معاشرت داشته باشند. عده‌ای نیز به دلایل گوناگون و مشکلات شخصی خود (اهمیت یافتن پول و مشکلات بر سر تقسیم ارث) و فرزندان‌شان از معاشرت سرباز می‌زنند.

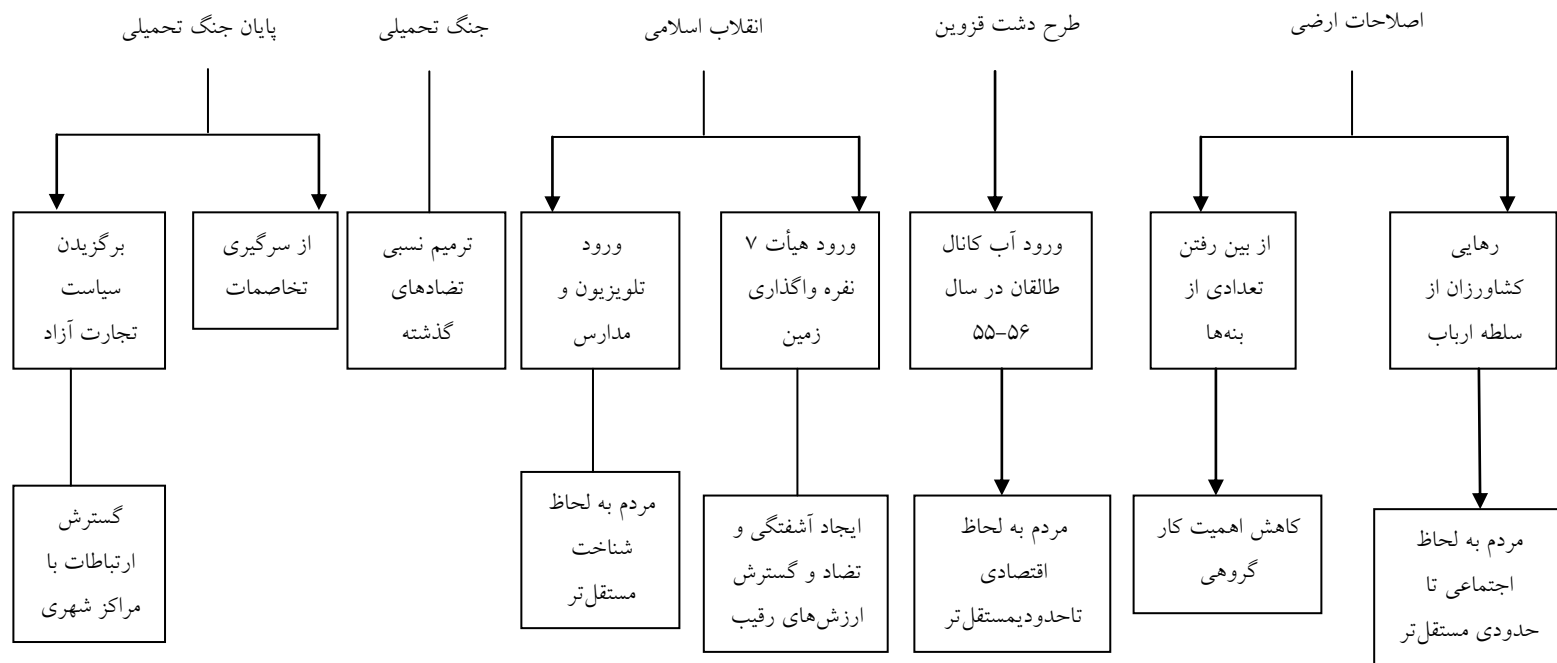
خانمی (خانم م - خ متولد ۱۳۴۸) از گروه سنی دوم و خانواده الف می‌گوید:

«می‌ترسم همین روزها به دلیل حرف و نقل‌هایی که در هر معاشرت ایجاد می‌شود، مردم برای عیددیننی نوروز هم به خانه هم نروند و این رسم هم ور بیافتد. اگرچه این رفت‌وآمدها برای دیدن نیست و برای این است که سر از کار هم در بیاورند و ببینند گل بشقاب خانه آدم از پارسال عوض شده یا نه. اگر عوض شده باشد یک جور حرف و حدیث است و اگر عوض نشده باشد باز یک جور دیگر».

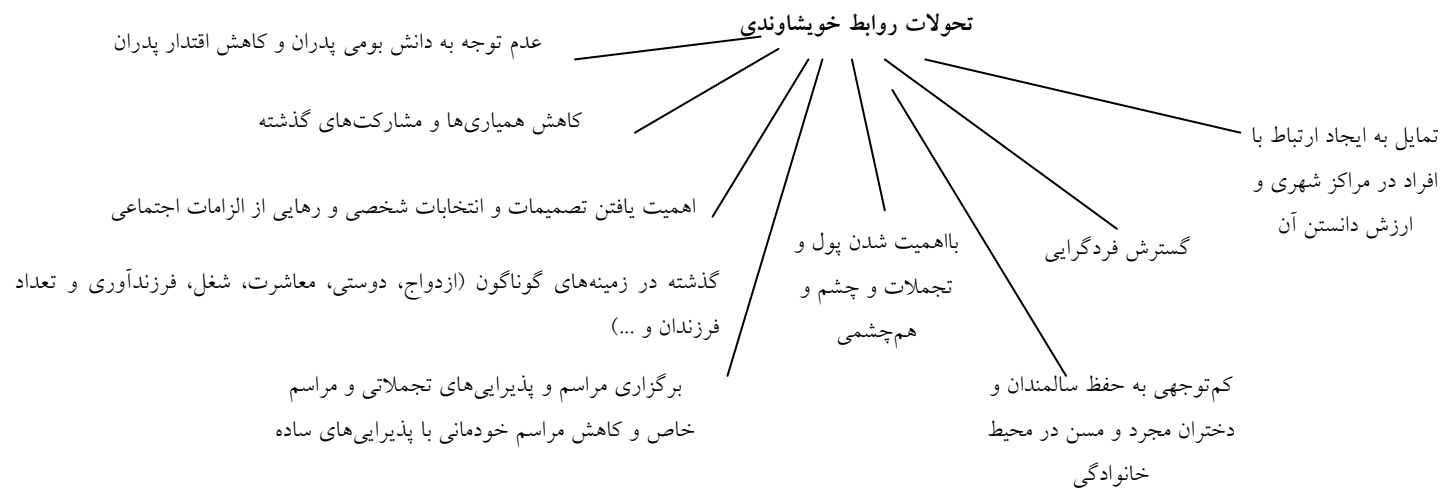
نتیجه‌گیری

فرایندهای مدرنیزاسیون در نیم قرن اخیر در نقاط عطف زمانی گوناگون (اصلاحات ارضی - انجام طرح دشت قزوین، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، پایان جنگ و دهه ۸۰ و پس از آن) اثرات گوناگونی بر تحول روابط خویشاوندی خانواده‌های روستایی حصارخروان داشته است.

در این راستا عامل سیاسی مهمترین عامل در تغییرات بوده که با ایجاد تبعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تحولات بزرگتری را رقم زده است. اگرچه اصلاحات ارضی تا حدودی مردم را به لحاظ اجتماعی مستقل‌تر ساخت و مشارکت‌ها و کارهای گروهی را کاهش داد ولی به دلیل بسته و منزوی بودن این جامعه روستایی در این دوران، تغییرات در روابط خویشاوندی ناچیز بود به گونه‌ای که عدم قدرت مالی مردم روستایی مانع استقلال پسران از پدران خانواده و خانواده گسترده می‌شد. در زمان دیگر با وجود اشاعه فرهنگ اسلامی و انقلابی و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی روستاییان، تعارضات ارزشی پدید آمده (تعارضات ناشی از عدم انتفاع گروهی از خوش‌نشینان طرفدار کدخدای سابق) سدی را بر سر راه حفظ روابط خویشاوندی ایجاد نمود. اگرچه وقوع جنگ تحمیلی تا حدودی تضادهای ایجاد شده ناشی از سیاست‌های هیأت ۷ نفره واگذاری زمین را تا حدودی خنثی ساخت ولی پس از پایان جنگ، برگزیده شدن سیاست تجارت آزاد که تجمل‌گرایی و فردگرایی را در لایه‌های مختلف خود حمل می‌کرد و به دنبال گسترش ارتباطات با مراکز شهری نوع و گستره روابط خویشاوندی دچار تحولات چشمگیری شد. در واقع دولت نفتی با پرداخت وام‌های کلان به روستاییان، آن‌ها را ترغیب به دنبال کردن خواسته‌های فردی خود کرد.



نمودار شماره ۶: تحولات روابط خویشاوندی ناشی از عوامل مختلف در نیم قرن اخیر



نمودار شماره ۷: تحولات روابط خویشاوندی

از آنجایی که رسانه‌ها دارای کارکردهای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی هستند، در این زمینه مؤثرترین ابزار به شمار می‌روند. بنابراین جا دارد که عقاید، ارزش‌ها و آداب و رسوم مذهبی خانوادگی در سریال‌ها و دیگر برنامه‌های تلویزیونی با اهمیت و کارکرد مثبت به نمایش درآید. مثل تأکید بر رفت‌وآمد بیشتر با خویشان و دوستان، ترویج کارهای گروهی و اجتماعی بین خانواده‌ها و اعضای خانواده، به تصویر کشاندن مهمانی‌های ساده و بی‌تکلف به عنوان ارزش، پاپیش‌نهادن برای رفع کدورت‌ها به عنوان رفتار موکد و مورد تأیید حق تعالی، اکتفا نکردن به تماس تلفنی و یا پیامک برای احوال‌پرسی‌ها، مسافرت‌های دسته‌جمعی با خانواده، تأکید بر اولویت دادن به مصلحت جمعی در برابر مصلحت فردی در خانواده، ترویج احترام به کهنسالان و رعایت سلسله مراتب در خانواده و ارزش نهادن به دانش بومی آنها (با وجود این که به لحاظ دانش رسمی از فرزندان عقب‌تر مانده باشند).

علاوه بر این نقش سیاستگذاری‌های حاکمان در این راستا بسیار مهم به نظر می‌رسد و می‌تواند در جهت تقویت همدلی بین روستاییان و گسترش فرهنگ ساده‌زیستی بسیار مؤثر عمل نماید.

منابع

- استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه: مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز. ##
- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه: یعقوب احمدی. تهران: نشر کویر. ##
- بافکار، حسین (۱۳۸۰). *کانون مهر (ویژه خانواده)* (چاپ اول). تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. ##
- پارسونز، تالکوت (۱۳۶۳). *ساختار اجتماعی خانواده؛ در مبانی و رشد جامعه‌شناسی*. نوشته جی.اچ. آبراهام، ترجمه: حسن پویان. تهران: چاپخش. ##

- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴). *توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران)* (چاپ ششم). تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار. ##
- رضایی، محمدمهدی (۱۳۸۴). *جایگاه صله رحم در فرهنگ اسلامی*. مجله گنجینه، ش ۵۱. ##
- رضوانی طوسی، سیدمجتبی (۱۳۹۲). *جایگاه روابط خویشاوندی و صله رحم در تعاملات خانوادگی و روزمره: مطالعات شهروندان تهرانی*. فصلنامه اخلاق زیستی، سال ۳، ش ۱۴، ص ۱۱۳. ##
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*. قم: مرکز نشر هاجر. ##
- سعداوی، نوال و رئوف، هبه (۱۳۸۲). *نابرابری حقوقی زنان در بوته نقد*. ترجمه: مهدی سرحدی. تهران: انتشارات نافذ. ##
- صدرا، علیرضا و قنبری، علی (۱۳۸۷). *ارزش‌های حاکم بر جامعه ایران*. انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. ##
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۳). *بته* (چاپ دوم). تهران: انتشارات توس. ##
- طالب، مهدی (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران* (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ##
- _____ و عنبری، موسی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی روستایی (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران)* (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ##
- عرفانی، حبیب؛ موسوی خصال، اسماعیل؛ بای‌بوردی، محمد (۱۳۵۸). *مدیریت کشاورزی و عمران روستایی، گزارش بازدید از طرح عمران دشت قزوین*. سازمان برنامه و بودجه. مدیریت کشاورزی و عمران روستایی. ##
- عنایت، حلیمه و دسترنج، منصوره (۱۳۸۹). *مطالعه ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی شهر لار)*. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، ش ۱، صص ۱۲۴-۱۰۷. ##
- فرید، محمدصادق (۱۳۸۸). *درآمدی بر خانواده و خویشاوندی*. تهران: نشر دانژه. ##
- گیدنز، آتونی (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. ##
- _____ (۱۳۸۸). *تجدد و تشخیص*. ترجمه: ناصر موفقیان (چاپ ششم). تهران: نشر نی. ##

- لاری، علیرضا (۱۳۷۱). گزارش مرحله یک، پروژه بررسی علل عدم تحقق اهداف شبکه آبیاری و زهکشی دشت قزوین. دانشگاه صنعتی امیرکبیر. ##
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۲). نگرش نوین به تحول ارزشهای خانوادگی در ایران. کتاب ماه، ش ۶۴، صص ۲۲-۳۷. ##
- مارشال، کاترین و راسمن، گرچن ب (۱۳۷۷). روش تحقیق کیفی. ترجمه: علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی (چاپ سوم). تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی. ##
- مقصودی، منیژه (۱۳۸۶). انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی (چاپ نخست). تهران: نشر شیرازه. ##
- مک‌کارتی، جین ریبنز و ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده. ترجمه: محمدمهدی لیبی. تهران: نشر علم. ##
- هوگلاند، اریک ج (۱۳۸۱). زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰. ترجمه: فیروزه مهاجر (چاپ نخست). تهران: انتشارات شیرازه. ##
- Al – Haj, Majid (1988). *The changing Arab kinship structure: the effect of modernization in an urban community*. Chicago Journal, Vol 36, No, 2, Jstore.
- Axinn, William G, Ghimire, Dirgha J, Barber, Jennifers (2008). *The Influence of Ideational Dimensions of social Change on family formation in Nepal*, pp 251-281 in International family Change, Ideational perspectives, Edited by Jayakody, Thornton, Axinn, Lawrence, Erlbaum Associates, Taylor and Francis Group, New York, London.
- Axinn, W.G., L.D. Pearce, and D. Ghimire (1999). *Innovations in life history Calendar applications*. Social science research, 28:243-264.
- BranFenbrenauer, U. (1979). *The ecology of human development Cambridge, M.A.:* Harvard University press.
- Casper, L.M. and Bianchi, S.M. (2002). *Continuity and Change in the American family*, Thousand oaks CA: Sage.
- Chandhamrong, Churairat (1987). *Agricultural Modernization and change in kinship organization in rural Thailand*, vol 30 no (1), Thammasat university.
- Dollard, J (1935). *Criteria for the life history*. New Haven. CT: Yale university Press.
- Giele, J.Z. ; Elder Eds, G.H. (1998). *Methods of life course research: Qualitative and quantitative approaches*. Thousand oaks, CA: Sage.
- Jayakody, Rukmalie; Thornton, Arland; Axinn, William G (2008). *perspectives on International family Change*. pp:1-18 in International family Change. Ideational perspectives. Lawrence Erlbaum Associates. Taylor and Francis Group. New York: London.

- Martyn, K.K, and R.F. Belli (2002). *Retrospective data collection using event history calendars*. Nursing Research, 51: 270-274.
- Mortimer, J. and M. Shanahan (2003). *Handbook of the life course*. New York: Klumer Academic/ Plenum publisher .
- Nelson, Ingrid A (2010). *From Quantitative to Qualitative: adapting the life history calendar method*, 22 (1), 413- 428.
- Thornton, Arland and Fricke, Thomas. E (1987). *Social Change and the family: Comprative perspective from the west China and South Asia*, Social logical Forum 2 (4): 746-779.